

## هم‌کنشی سیاست پژوهی؛ حلقه مفقوده در فرآیند نظام برنامه‌ریزی توسعه ایران

### چکیده:

با وجود اهمیت و جایگاه تفکرات علمی و نقش بارز پژوهش در سیاست‌گذاری‌های توسعه، بازتاب وضع موجود و آسیب‌شناسی عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور، از نوعی ناکارکردی و یا بدکارکردی و یا عدم بکارگیری یافته‌ها و توصیه‌های سیاستی در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری توسعه و عدم تعامل و هم‌کنشی سیاست‌پژوهی در سطوح بالادستی (فراقوه‌ای) حکایت دارد که اغلب باعث شده سیاست‌گذاران از قابلیت اثربخشی در فرایند توسعه برخوردار نباشند. با این وصف، نوشتار حاضر که با روش اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های کیفی حاصل از مطالعه فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران (۱۳۹۳) در راستای شناسایی آسیب‌هایی که مرتبط با فقدان هم‌کنشی سیاست‌پژوهی در برنامه‌های توسعه ایران از یک سو و شناسایی کاستی‌های مربوط به تعدد و موازی‌کاری‌های نهادها و دستگاه‌ها دارای مراکزسیاست پژوهی و عدم انسجام اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای از دیگر سو سازماندهی گردیده است. مهم‌ترین یافته‌ها نشان داده است از بین ۹۹ آسیب و ایراد بررسی شده در مطالعه فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه ایران (۱۳۹۳)، ۳۸ آسیب و ایراد مربوط به جنبه‌های مطالعاتی و پژوهشی و از سنخ سیاست‌پژوهی شناسایی گردید. به دیگر سخن ۳۸/۴ درصد از آسیب‌های برنامه‌های توسعه و عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور معطوف به کاستی‌های مطالعاتی در سطوح تهیه برنامه‌های توسعه؛ پیش از برنامه‌ریزی، سطح محتوایی، سطح فرآیندی و سطح اجرایی است. در این راستا بیشترین کاستی و آسیب‌های مطالعاتی و سیاست‌پژوهی مربوط به سطح محتوایی برنامه‌ریزی با ۶۹/۲ درصد و کمترین با ۲۴ درصد مربوط به سطح پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی مشخص شده است. به منظور ظرفیت‌سازی و زمینه‌سازیها و جلوگیری از موازی‌کاریها، مهندسی بالادستی (فراقوه‌ای) هم‌کنشی سیاست‌پژوهی و نظارت‌پژوهی در سیاست‌گذاری‌های توسعه کشور به عنوان نخستین گام در بازنگری نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران با تاکید بر برنامه هفتم توسعه ضروری است.

**واژگان کلیدی:** سیاست‌پژوهی، هم‌کنشی، نظام برنامه‌ریزی توسعه، ایران

## ۱- مقدمه و طرح مساله

سیاست‌گذاری و تعیین سیاست دولتی به دلیل ماهیت پیچیده مسائل عمومی، نیازمند ابزارها و روش‌های علمی است. سیاست (خط مشی) عمومی به مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً پایدار، ثابت و هدفمند دولت برای حل مشکلات یا دغدغه‌های عمومی اطلاق می‌شود (اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ۷). سیاست‌های عمومی، نوعی مداخله در حیطه منابع و اختیارات و حقوق ذی‌نفعان اجتماعی است و منافع شهروندان و گروه‌های اجتماعی و حتی نسل‌های آتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین انتظار معقول این است که نه تنها دلایل هنجاری رضایت بخش و مشروعیت اجتماعی لازم برای این کار خطیر را داشته باشند، بلکه باید اهداف سیاسی را بر مبنای مدلی علمی توجیه کنند. به بیان دیگر، سیاست‌گذاری باید مبتنی بر تفکری علمی و با پشتوانه پژوهش‌های معتبر علمی و اجتماعی باشد (فراستخواه، ۲، ۱۳۹۲). با ظهور علم خط مشی، این عقیده شکل گرفت که مشکلات عمومی باید به طور نظام‌مند بررسی و تجزیه و تحلیل شوند (رویکرد عقلانی) و خط‌مشی‌ها باید بهبود یابند و موثرتر شوند (آنتیزف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷، ۱۰). در همین راستا پژوهشگران بسیاری هر یک به نوبه خود، عوامل موثری را در سیاست‌گذاری موفق بیان کرده‌اند که در این منابع، به عامل عقلانیت و اتکاء به پشتوانه‌های علمی و پژوهشی در سیاست‌گذاری تاکید جدی شده است (امیری فرح‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۴۰). روش علمی برای پرداختن به مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاست پژوهی است. در واقع سیاست‌پژوهی، ساز و کار تزریق عقلانیت حرفه‌ای به چرخه خط‌مشی‌گذاری است (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه مسائل و مشکلات عمومی به اندازه‌ای دارای ماهیت پیچیده و چند بعدی است که بدون مطالعه علمی درباره‌ی آن نمی‌توان راه‌های مناسبی (قانون یا سیاست) برای حل آنها، تعیین نمود. بنابراین باید ضمن برقراری رابطه میان دانش و سیاستها، از روش‌های مختلف برای عملی کردن سیاستها، استفاده کرد. به منظور برقراری ارتباط مناسب بین حوزه سیاست‌گذاری و حوزه علم و دانش و هم‌چنین برای علمی کردن سیاست‌ها، روش‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود. یکی از این روش‌ها، استفاده از روش علمی پژوهش در فضای سیاست‌گذاری است که به آن روش سیاست‌پژوهی گویند در این روش سیاستها قبل از انتخاب توسط نهادهای پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سیاست‌پژوهی، پلی است بین سیاست‌گذاران و اندیشمندان علوم مختلف برای بهینه کردن آثار سیاستهای اتخاذ شده، تا از این طریق در روند توسعه‌ی جامعه تسریع شود. سیاست‌پژوهی روش علمی و محققانه (به جای روش سیاسی) پژوهش در امر سیاست‌گذاری است. این روش می‌تواند با ژرفانگری، توصیه‌های علمی مناسبی به سیاست‌گذاران

<sup>۱</sup> . Anderson

<sup>۲</sup> . Anthes

ارایه نماید. در سالهای اخیر، نهادهای سیاستگذاری تلاش زیادی در جهت استفاده از روش سیاست پژوهی به منظور علمی نمودن سیاستها، نموده اند (قلی پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

بازتاب وضع موجود و آسیب شناسی عدم تحقق برنامه های توسعه کشور، حکایت از نوعی ناکارکردی و یا بدکارکردی در علمی کردن سیاستها در نظام برنامه ریزی توسعه دارد. در این میان یکی از دلایل عمده این ناکارکردی و بدکارکردی در سطوح نهادی و ساختاری، کاستی ها و ناکارآمدیهای موجود در نهادهای تصمیم گیرنده و تصمیم ساز است به طوری که بر اساس مطالعات آسیب شناسی های انجام شده یکی از مهمترین دلایل عدم موفقیت و عدم تحقق برنامه های توسعه به عدم استفاده از توصیه های سیاستی ناشی از مطالعات و پژوهش های معتبر در قالب قوانین یا سیاستها است. به سخنی روشن تر، چنین به نظر می رسد که در فرایند تصمیم گیری نظام برنامه ریزی توسعه حلقه گمشده ای وجود دارد که موجب ایجاد گسست میان تولید کنندگان پژوهش و برنامه ریزان و یا کاربران آن شده است. نتیجه آن که اغلب مشاهده می شود که یافته های پژوهشی نهادهای تولید دانش و پژوهش در قلمرو برنامه ریزی توسعه کمتر در تصمیم گیری ها به کار بسته می شود؛ یا یافته ها در قالب اسناد برنامه ای و توسعه (قانون یا سیاست) کار بست می یابند که به دلایل مختلف که در اینجا بیشتر کیفیت و محتوای اسناد و انجام مطالعات مطرح است قابلیت اثربخشی در فرایند برنامه ریزی و توسعه کشور با توجه به عدم تحقق برنامه های توسعه ایفا نمی نمایند. در همین راستا اغلب با وجود مراجع و مراکز فراوان مطالعاتی و پژوهشی مرتبط، بین مراکز و مراجع پژوهشی هم کنشی و تعامل، هماهنگی و هم افزایی نیز وجود ندارد.

## ۲- روش شناسی پژوهش

روش مطالعه در نوشتار حاضر توصیفی، تحلیلی و روش اسنادی است. بدین معنا که از منابع مکتوب و اسناد توسعه و مدارک معتبری که درباره موضوع تحقیق انتشار یافته در حد امکان استفاده شده است. در بخشی از این نوشتار از تحلیل ثانویه که در واقع یکی از روش های گردآوری اطلاعات و بهره گیری از داده هایی که از سوی دیگران برای هدف های متفاوت تولید شده، از داده های کیفی مربوط به مطالعه فراتحلیلی بر آسیب شناسی های برنامه های توسعه در ایران (۱۳۹۳) در راستای شناسایی آسیب هایی که مرتبط با عدم استفاده از یافته های پژوهشی و نیز فقدان هم کنشی سیاست پژوهی در برنامه های توسعه ایران است بهره برده شده است. هم چنین این نوشتار شناسایی مهم ترین نهادها و مراکز سیاست پژوه مرتبط با برنامه ریزی توسعه با مراجعه به

سامانه‌های این نهادها و مراکز و نیز بررسی میزان هم‌پوشانی و انسجام اسناد برنامه‌ای و توسعه‌ای کشور را در دستور کار قرار داده است.

### ۳- چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

#### ۳-۱- مفهوم شناسی سیاست پژوهی

سیاست‌پژوهی آمیزه‌ای از علم و فن و هنر است. علم مجموعه‌ای از نظریه‌ها، مفاهیم و اصول روش‌شناسی است؛ فن مجموعه‌ای از تکنیک‌های کارآمد، قواعد تجربی و سرانگشتی، و شیوه‌های عملیاتی استاندارد دانسته می‌شود؛ و هنر آهنگ، سبک و شیوه کار فرد است. این بدان معنی است که سیاست‌پژوهی فقط منحصر به یک شیوه نیست (جاودانی، ۱۳۹۱: ۴۲).

سیاست‌پژوهی نیز فرایند اجرای پژوهش در باب مسئله اجتماعی مهمی یا بازکاوی مسئله اجتماعی مهم است. به سخنی دیگر، سیاست‌پژوهی به منظور ارائه توصیه‌های عملی و توصیه‌های معطوف به عمل به سیاست‌گذاران برای حل یک مسئله است. در حالی که پژوهش بنیادی اجتماعی عموماً در گروه‌های علمی دانشگاه‌ها اجرا می‌شود؛ پژوهش فنی اجتماعی در برگیرنده طرح‌هایی است که برای حل مسائل بسیار مشخص و محدود، همچون اندازه مناسب نیروگاه برق یا مناسب‌ترین نظام پاسخگوی برنامه‌های خدمات اجتماعی تنظیم می‌شود. تحلیل سیاست مطالعه فرایند سیاست‌گذاری است در حالی که سیاست‌پژوهی در بر گیرنده مطالعاتی است که برای ارائه توصیه‌های سودمند به سیاست‌گذاران، همه اقدامات ممکن در حل مسئله بررسی و بازکاوی انتقادی می‌کند. بدین ترتیب، فقط اقداماتی توصیه می‌شوند که مناسب‌ترین اقدام اند.

سیاست‌پژوهی به سبب گرایش عملی زیاد خود با پژوهشی فنی همانندی می‌کند. گاهی هم سیاست‌پژوهی با پژوهش ارزیابانه، به دلیل این که هر دو با برنامه‌های اجتماعی سروکار دارند، در حالی که باید توجه داشت تحقیق‌هایی که رویکرد ارزیابی دارند در پی قضاوت در باره سودمندی برنامه‌های موجوداند و سیاست‌پژوهی به بررسی مسئله اجتماعی ویژه‌ای می‌پردازد که در پی یافتن راه‌های گوناگون حل مسئله است. خلاصه، سیاست‌پژوهی تحقیق در باره مسائل اجتماعی اساسی و مهم برای نیل به روندهای عملی واقع‌بینانه در حل و کاهش این مسائل است (سلو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵، ۴۰۴-۴۰۵). اگر چه، این باور در ذهن اغلب پژوهشگران و سیاست‌پژوهان و شماری از سیاست‌گذاران نقش بسته است که همکاری میان آنها موجب بهبود فرایند تصمیم‌گیری، سیاست

---

<sup>۱</sup>. Cillo

گذاری و قانون گذاری از یک سو، و پژوهش از سوی دیگر می شود و در واقع می تواند مسیر توسعه جوامع را به گونه ای ترسیم کند که با چالش ها و کاستی های کمتری روبرو شوند، نمونه های همکاری کامیابانه اندکی در این زمینه به چشم می خورد. این در حالی است که نشریات علمی بر نقش و اهمیت بهره برداری از پژوهش های اجتماعی پای می فشارند. و بر این باورند که این نوع بهره برداری نقش حیاتی در کمک به بهبود کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی دارد (ازگا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷ : ۴۱).

یکی از دلایل اصلی که موجب کاهش اثربخشی تصمیم سازی و سیاست پژوهی و کاهش هم کنشی میان سیاست گذاران و سیاست پژوهان می شود- که در عرصه جهان واقعیتها گاه گریز ناپذیر است- زیستن آنها در جهان های متفاوت ، با سپهرهای اندیشه ای متفاوت و حتی گفتمان های متفاوتی است که استفاده از زبانها، ارزش ها و پاداش های حرفه ای متفاوتی را پدید می آورد (جاودانی ، ۱۳۹۱ ، ۵۴).

نظریات معطوف به بر ساخت اجتماعی فناوری، فناوری و جامعه را متأثر از یکدیگر می یابند و از این حیث نقش ویژه ای برای مردم در شکل دادن به فناوری قائل هستند. از این رو می توان نگاه بر ساخت گرایانه به فناوری را که در آن به جای اینکه محصول فناورانه، کاربر را دچار تغییر کند، کاربر فناوری به محصول مورد نظر خود شکل می دهد، ریشه فلسفی مباحث حوزه نوآوری کاربر محور دانست. بعدها با شکل گیری شهرهای دیجیتال و پیچیده شدن موضوعات در سیاست گذاری عمومی، محور قرار دادن کاربران در طراحی رفته رفته جای خود را در حوزه سیاست گذاری دولت ها نیز باز کرد و مفهوم آزمایشگاه های سیاستی<sup>۲</sup> با هدف دخیل کردن مردم در طراحی و اجرای برنامه های سیاستی متولد شد.

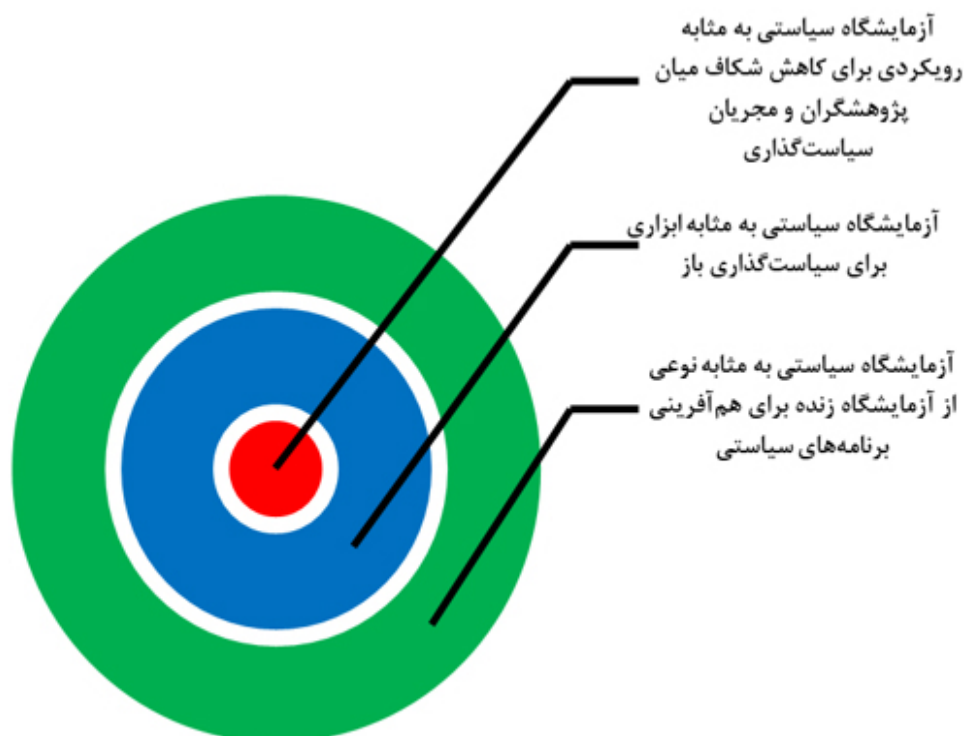
آزمایشگاه های سیاستی ساختارهای نوظهوری هستند که سیاست های عمومی را به شیوه ای مبتکرانه مبتنی بر طراحی، به ویژه با مشارکت شهروندان و شرکت هایی که در بخش های دولتی فعالیت می کنند، تدوین می کنند. آزمایشگاه های سیاستی از طریق شبکه ها، مشارکت ها، اتحادها و همکاری های مابین بخش های مختلف عمل می کنند و بین منابع متنوعی از حوزه های سیاسی، دانشگاهی و... پیوند می زنند و در هسته ی اصلی فعالیت های آن ها، از تخصص های فنی همچون علوم داده، تحقیقات مبتنی بر طراحی، مطالعات رفتاری و... بهره گرفته می شود.

---

<sup>۱</sup>. Ozga

<sup>۲</sup>. Policy Labs

شکل زیر کارکردهای آزمایشگاه سیاستی را به اختصار نمایش داده است.



منبع سایت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

### ۳-۲- رابطه بین فرایند سیاست‌گذاری و پژوهش

رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری پیچیده است. برخی بر این باورند که پژوهش همیشه در خدمت سیاست‌گذاری نیست و نباید باشد. محققان؛ تکنسین یا مهندس اجتماعی نیستند و نمی‌توان و نباید از آنها انتظار داشت جامعه را یکسببه تغییر دهند. اما در کنار این دیدگاه، نمونه‌های بسیار زیادی هم در ایران و هم در خارج از ایران وجود دارد که پژوهش و سیاست‌گذاری با موفقیت دست به دست یکدیگر داده‌اند. در بعضی از این موارد، رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری متکی به سالها پژوهش و رشد خرد جمعی در میان سیاست‌گذاران بوده است. در نهایت باید توجه داشت که رابطه بین علم و سیاست یا پژوهش و سیاست‌گذاری ساده و مستقیم نیست بسیاری از تحقیقات به سیاست‌گذاری تبدیل نمی‌شوند و بسیاری از سیاستها بر پژوهش مبتنی نیستند. عوامل سیاسی، ایدئولوژیک، سازمانی و هم‌چنین ضعف تحقیقات باعث می‌شود که رابطه تحقیقات و سیاست‌گذاری گسسته شود. ولی هیچکدام از این‌ها، بدین معنا نیست که نباید برای تحقیقات بودجه‌ای صرف کرد برعکس، تاثیر تحقیقات بر سیاست و سیاست‌گذاری معمولاً بلند مدت، کند و نامحسوس است. سیاست‌گذاران فعلی و

آینده از طریق تحصیلات رسمی، سمینارها، گپ های خصوصی، مشاور، مطبوعات، فضای فکری جامعه و ... با تحقیقات روز آشنا می شوند. هر چه این تحقیقات غنای کمی و کیفی بیشتری داشته باشند امکان تاثیر مستقیم و غیر مستقیم آنها بیشتر می شود. در کنار تحقیقاتی که معطوف به راه حل های عینی کوتاه مدت اند باید جا و بودجه برای تحقیقات به طور کلی باز باشد تا بتوانند رفته رفته فضای فکری و دیدگاه مردم و مسئولان را تغییر دهند(بیات ریزی، ۱۳۹۰، ۴۱).

سیاست گذاران آگاه که سالها در جریان تحقیقات قرار گرفته اند معمولا خود می توانند با استفاده مستقیم و غیر مستقیم از این تحقیقات و بدون نیاز به کمک مستقیم محققان راه های عملی برای حل مشکلات خود پیدا کنند. با این وجود باید رابطه بین پژوهش و سیاست رابطه ای پیچیده دانست که بر عملی بودن و کاربردی کردن پژوهش ها می تواند اثرگذار باشد اگر چه هنوز راه طولانی برای مورد استفاده قرار دادن حتی پژوهش های کاربردی از سوی سیاستگذاران وجود دارد و دانش گذشته و تجربه و روابط بر تصمیم گیریها سایه افکنده و در این راستا سیاستگذاری بر مبنای پژوهش را با چالش روبرو می کند، این موضوع به همراه ضعف دانش فنی ارزیابی سیاستها (که عمدتاً بر مبنای کارکارشناسی که فاقد ابزارهای فنی مجهز به مانند پژوهشگران علوم اجتماعی هستند و نیز به روز رسانی و تعدیل سیاستها و هم رایبی سیاستمداران به جای بازنگری سیاستها بر مبنای پژوهش ها) پاره ای از آسیبها و عدم تحقق سیاستها و برنامه ها را به خود اختصاص می دهد(امامی میدی و اشتریان، ۱۳۹۳، ۲۸؛ بیات ریزی، ۱۳۹۰، ۲۹-۲۷). برای نمونه بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور در سیاستگذاری اقتصاد کلان کشور است در حالی که در کشور مرکز مطالعاتی منسجم و مشخصی وجود ندارد تا امر تهیه و ارزیابی الگوهای کوتاه مدت و بلند مدت اقتصاد سنجی را با توجه به عملکردها و پیامدهای آن در دستور کار قرار دهد(توفیق، ۱۳۸۵). در این راستا جا دارد برنامه های توسعه کشور با دقت به مراتب بیشتری از آنچه که در گذشته معمول بوده است یعنی با پژوهش ها و مطالعات گسترده تر و ژرف تر و به طور دائمی (و نه با عجله در سالهای پایانی برنامه جاری) با رایزنی های گسترده تر و همراه با تقویت، هم افزایی و اجماع نهادها و مراکز سیاست پژوه موجود تهیه و تدوین گردد.

### ۳-۳ - علل شکست طرحها و برنامه های توسعه و سیاست پژوهی از دیدگاه خبرگان و تجربیات مورد مطالعه

پژوهشگران و اندیشمندان رشته های مختلفی هر کدام از دیدگاه متفاوتی به علل شکست برنامه های توسعه پرداخته اند؛ برخی ویژگی های تاریخی زمینه ای ایرانیان (مانند ویژگی های شخصیتی، فرهنگی و ...)، برخی

عدم حضور همه تخصص‌ها در تدوین برنامه را عامل عدم توسعه می‌دانند. از طرف دیگر اقتصاددانانی مانند مرحوم عظیمی ریشه مشکلات برنامه‌ریزی در ایران را جامع بودن آن می‌دانند و برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی را راه حل این مشکل می‌دانند. سریع‌القلم نیز گذشته استبدادی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، عدم وجود عقلانیت و نیز عدم همراهی نخبگان فکری و ابزاری را از علل عدم توسعه در ایران و شکست برنامه‌های توسعه می‌دانند (آقاجانی، ۱۳۹۳). فرشاد مومنی نقطه آغازین توسعه در ایران را، اصلاح سازه‌های ذهنی عموم مردمان جامعه و در هر جایگاه و مقام اجتماعی می‌داند. رنانی معتقد است توسعه نیافتگی کشور را باید در دوران کودکی جستجو کرد. به باور وی در این صد سال - تبدیل به جامعه مدرن شده ایم - در صنعت، کشاورزی و آموزش عالی و... سرمایه‌گذاری کردیم و از فناوری‌های جدید نیز بهره بردیم اما کار مهمی که صورت نگرفت این بود که ما انسان توانمند پرورش ندادیم و نتیجه آن تحویل مدیران، بخش خصوصی و صنعتگران و سیاستمداران ناتوان به جامعه شد. نیلی به بررسی ابرچالش‌های حوزه اقتصادی پرداخته و علت ایجاد ابرچالش‌های امروز را ساختار اقتصاد دانسته و اذعان داشته این مشکلات را کسی از بیرون به ما تحمیل نکرده، بلکه حاصل تصمیمات غلط خود ما در سال‌های گذشته بوده است. فاضلی مسئله انباشت ناکارآمدی را مطرح نموده و بر این باور است که وضع پیش‌آمده محصول عوامل مختلفی است؛ نخستین عامل «انباشت ناکارآمدی» است، در اینباره برخی معتقدند که این مسئله «احساس ناکارآمدی» است، اما به زعم وی این «خود ناکارآمدی» است. دینی ترکمانی مسئله شکست نظام‌مند را طرح کرده و معتقد است اقتصاد و جامعه ایران درگیر پدیده‌ای به نام شکست در هماهنگ‌سازی سیاستی و شکست نظام‌مند است. بدین معنا که اجزای سیستم یا نظام هماهنگی لازم را ندارند. حداد بر این باور است ابتدا باید ابرمسئله شناسایی شود. چرا که تا ابرمسئله حل نشود باقی مسائل نیز حل نمی‌شود. بدین معنا که حل مسائل کوچک و خرد به حل ابرمسئله وابسته است و یا به نوعی آن عامل تمامی مسائل دیگر است. در گذشته ادبیات قابل توجهی در حوزه چالش‌های مسائل اقتصاد سیاسی ایران و راهکارهای آن تولید شده که تا حدودی اجماع نسبی نسبت به آن وجود داشته است، اما چرا این‌ها هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسند؟ این به دلیل آن ابرمسئله است. تصور کنید تمام برنامه‌ها به وسیله یک دولت منظم، علمی و با پشتوانه تجربی، نظری و اجرایی خیلی قوی سرکار بیاید. اما او حداکثر می‌تواند قبل از این جابجایی را تضمین کند، ولی هیچ گاه منجر به تغییر بزرگ نخواهد شد. چرا که ابرمسئله ما حل نمی‌شود و این ابرمسئله بر می‌گردد به اینکه از نظر ساختاری ما فاقد انسجام و یکپارچی هستیم.

به اعتقاد ندری نگرش و تفکر اقتصادی، اصلی‌ترین گره اقتصاد ایران است که منشأ بروز و ظهور بسیاری از معضلات اقتصادی شده است. این نگرش باید براساس اصول علمی اقتصاد و بر مبنای تجارب جهانی اصلاح شود. بررسی نگرش اقتصادی در دولت‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که تنها چهره‌ها تغییر می‌کنند، اما بینش و



نگرش به اقتصاد تغییری نکرده است. به زعم وی بسیاری از تصمیمات مهم و تاثیرگذار شخص محور است و زمانی که این تصمیمات اتخاذ می‌شود، مدیران بدون هیچ پرسشی اجرای آن را وظیفه خود می‌دانند. اما در صورتی که این تصمیمات اشتباه باشد، دیگر امکان تصحیح آن وجود ندارد و اگر تبعات منفی آن ظاهر شود، با نقش سایر قدرت‌های متعارض توجیه می‌شود.

به باور صرافی و نجاتی (۱۳۹۲) عدم توجه دولتمردان به بسیاری از ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای موجبات توسعه نیافتگی ایران با نوعی تمرکزگرایی همراه کرده است که در نظام برنامه‌ریزی کشور نیز بازتاب داشته است. به زعم ایشان کاستی‌های طرحها و برنامه‌ها و نظام مدیریت فضایی منطقه‌ای ایران را می‌توان در سه گروه کاستی‌های مربوط به زمینه‌ها و ظرفیتهای جامعه در بین مدیران، کارشناسان و شهروندان، گروه دوم کاستی‌های مربوط به نظام مدیریتی کشور (شامل مدیریت و برنامه ریزی فضایی و بخشی) و گروه سوم مربوط به نظام مدیریت فضایی (نبود هماهنگی بین طرحها و برنامه‌های توسعه با تقسیمات سیاسی) طبقه بندی نمود.

ثامنی (۱۳۹۸) در نوشتاری از رویکردی تقریباً آمایشی و همه جانبه به ریشه‌های شکست برنامه‌های دولتها در ایران پرداخته و این ریشه‌ها را در عوامل و مولفه‌هایی همچون نبود اجماع بر سر مفاهیم، ارزش‌ها، مبدأ، مسیر، مقصد و رواج مغالطه‌گری، اختلال پارانوئیک جامعه و اشتباه «سیاسی کردن» آن، تودرتوی نهادی قدرت در ایران و مسئولیت‌ناپذیری سیاست‌گذاران، عدم تعریف رابطه دولت با نظام، ملت، سرزمین، فرسودگی بدنه نهاد دولت (به ویژه طبقه میانی مدیران و کارشناسان) و فقدان ایده و اندیشه کارا دانسته و خروج ایران از بحران و گذار آن به سوی کشورهای توسعه‌یافته را تنها از طریق دگرگونی در بسیاری از نگرش‌ها، رویکردها، ساختارها و رویه‌های جاری از یک سو و احیا و تقویت «آیین کشورداری» مبتنی بر تعریف یک سیاست مستقل و پویای ملی، تنظیم روابط و برهم‌کنش‌های میان همه ارکان کشور (نظام، دولت، ملت و سرزمین)، مبنای قرارداد منافع بلندمدت ملی در سرلوحه تمامی سازوکارهای سیاست‌گذاری کشور و در نهایت مسئله‌گشایی و داشتن عزمی راسخ برای درهم‌شکستن بسیاری از بن‌بست‌ها امکان پذیر دانسته است.

رنانی (۱۴۰۰) بر این باور است هیچ دولتی در مورد برنامه‌های توسعه که در این دوره‌ها تدوین کرده به کلی اعلام شکست یا پسروی نکرده است و گزارش‌ها حاکی از دستاورد برنامه و دستیابی به بیشترین اهداف برنامه بوده است وی سپس دلیل این مسئله را یکی بودن ناظر با طراح و مجری برنامه می‌داند. از آنجایی که طراح و گزارش دهنده برنامه دولت است؛ هیچ گاه نمی‌توانیم رصد

دقیقی از فرآیند توسعه و آن هم رصد همه جانبه از همه ابعاد توسعه داشته باشیم. وقتی توسعه وارد فاز اصلی خود می‌شود که در تمام حوزه‌ها و ابعاد نهادهای متشکل مدنی شکل گیرد و نقش بازی کنند و نظارت کنند. در حوزه سیاست‌گذاری هم لازم است نهادهای مدنی وارد سیاست‌گذاری توسعه شوند و این حوزه از همه حوزه‌های دیگر مؤثرتر و تأثیرگذارتر است.

نتیجه پژوهش اکتشافی قلی پور و دیگران (۱۳۹۱) در بررسی عوامل موثر بر استفاده از سیاست پژوهی در ایران، به استخراج ۴ بعد اشاره دارد که عبارتند از (۱) زمینه (زمینه‌های تحقیق، خط مشی، استفاده کننده و عام، (۲) ویژگی‌های هویتی محقق (هویت فردی و سازمانی)، (۳) ویژگی‌های تحقیق (گزارش، نتیجه، ماهیت، نحوه انجام و انتشار تحقیق) و (۴) سیاستگذار (عقاید و نگرش، درگیری در تحقیق، توانمندی تحقیقی، ویژگیهای حرفه‌ای، میل به جستجوی اطلاعات، تحصیلات و جمعیت شناختی). نتایج بررسی این ابعاد در نزد صاحب‌نظران حاکی از آن است که بیشترین اتفاق نظر در بعد تحقیق بوده است. در این بعد نیز نحوه تهیه و تدوین گزارش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. در همین راستا، پژوهشی دیگری (قلی پور و همکاران ۱۳۸۹) به بررسی تاثیر سیاست‌پژوهی در فضای سیاست‌گذاری پرداخته است و با مطالعه موردی در مرکز پژوهش‌های مجلس، به این نتیجه رسیده است که بین وضع موجود و مطلوب سیاست پژوهی در این مرکز تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، فعالیت‌های سیاست پژوهی در جامعه آماری از تأثیرگذاری لازم در فضای سیاست‌گذاری برخوردار نیست.

نتایج پژوهش‌های ناظمی و همکاران (۱۳۹۹) مهمترین زمینه‌های ناکارایی در طرح‌های توسعه و عمران شهری را به ترتیب نبود زبان مشترک برنامه‌ریزی، ضعف در سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری، نبود ساختار حقوقی یکپارچه، ساختار سازمانی نامتناسب، نظام تصمیم‌گیری متمرکز، الگوی برنامه‌ریزی جامع‌سازگار نشده، «ناسازگاری سامانه راهبری، دخالت نابجای عناصر قدرت، نبود ساختار ارزیابی، ناکارآمدی ساختار پایش و دیدبانی مشخص کرده است.

نتایج تحقیق رضایی قادی و شیرخانی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد نظام جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای شاخصه‌های حکمرانی خوب، چندان موفق نبوده و مشکلاتی در اجرای آن داشته است. در عین حال نباید از ظرفیت‌هایی مانند قانون اساسی، چشم‌انداز بیست ساله و حتی برنامه‌های توسعه برای هدایت نظام سیاست‌گذاری به سمت برقراری الگوی حکمرانی خوب غافل

شد؛ به ویژه آن که با ابلاغ سیاست های کلی نظام اداری و اقتصاد مقاومتی، رویه ها و فرآیندهای استراتژیک و راهبردی در جهت الگوی حکمرانی خوب طراحی شده اند.

احسانی و همکاران(۱۳۹۶) در تحقیق خود تحت عنوان قابلیت اثر گذاری پژوهش های فزاینده ایران بر توسعه کشور به این نتیجه رسیده اند که با وجود رشد چشمگیر پژوهش های ایران و به تبع آن ارتقاء بی نظیر رتبه جهانی ایران از لحاظ برون داده های علمی منتشر شده طی دهه های اخیر ، به جز در خصوص محصولات با فناوری بالا آن هم در یک بازه زمانی محدود، هیچ یک از پیامدهای اولیه مورد انتظار از پژوهش محقق نشده و به عبارت دیگر در هیچ یک از زنجیره تغییرات ، بهبودی حاصل نشده است. به زعم یافته های این پژوهش فارغ از وجود یا نبود عوامل بیرونی تاثیرگذار، مجموعه پژوهش های ایران قابلیت چندانی برای ایفای نقش در توسعه کشور نداشته است.

عالم تبریز و عظیمی (۱۳۸۴) در تحقیق میدانی خود مهمترین عامل موثر در بهبود برنامه ریزی توسعه را کیفیت منابع آماری و اطلاعاتی از دیدگاه خبرگان برنامه ریزی کشور اعلام کرده اند.

به زعم عسگری(۱۳۸۳) در اقتضا ایران که در مواردی ، تصمیم گیران از ویژگیها و معیارهای کافی در حوزه تصمیم گیری برخوردار نیستند و این که اصولا بر این باور که برای هر مورد تصمیم گیری ، بررسی و تحقیق و بکارگیری اطلاعات اساسی ضرورت اساسی دارد نزد همه تصمیم گیران تعمیق و نهادینه نشده است.

در برخی مطالعات با اشاره به کارکردهای مناسب اطلاع رسانی سیاست، مشاوره سیاستی و تسهیل کنندگی سیاست در آینده نگاری و هم چنین رشد آینده پژوهی از حیث تکنیک و اجرای فنی طرحها در ایران به کم توسعه یافتگی آینده پژوهی در عرصه ارتباط با فرایند برنامه ریزی از یک طرف و مشارکت پذیری فرایند از سوی دیگر اشاره شده و ایفای نقش موثر آن را در سیاستگذاری در گرو ساخت چشم انداز واحد بر اساس اجماع نخبگان، توسعه ساختار و فرایند مناسب حکمرانی می دانند(رحمتی ، میرعمادی ، ۱۳۹۸ ، ۵؛ مشعلی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۲۱).

جاودانی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «طراحی الگوی سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران با رویکردی توصیفی \_ تحلیلی، الگوی موجود و مطلوب سیاست پژوهی در آموزش عالی ایران را مورد توجه قرار داده است.

امیری فرح آبادی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان آسیب شناسی فرایند سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران به این نتیجه دست یافته اند که آموزش عالی ایران، به دلیل برخی مسائل و چالشهای فرارو، نتوانسته است کارویژه‌های ماهیتی خود را به‌گونه‌ای مطلوب انجام دهد. کارویژه‌ها، مأموریتها و اهدافی که با توجه به اساسنامه‌های مصوب، در شکل-گیری اولیه این مراکز و مؤسسه‌ها موردنظر بوده اند. به دنبال همین ناهم‌سویی، آموزش عالی ایران نیز نتوانسته است با سیاست‌گذاریهای منطقی، عقلایی و با پشتوانه علم و دانش روز، با چالشهای فراوان امروزی به نحو شایسته‌ای روبرو شود. در این بین، شاهد هدررفت منابع عمومی مختلف، اعم از مالی و انسانی هستیم.

#### ۴- یافته‌ها و بحث:

##### ۴-۱- آسیب شناسی برنامه‌های توسعه و خلاء مرتبط با سیاست‌پژوهی و برهم‌کنشی آن

در مطالعات و بررسیها به صورت تفصیلی و کامل انواع آسیبهای برنامه‌های توسعه در ایران بررسی و دسته‌بندی شده است اما مسئله‌ای که مغفول مانده است نگاه اداری و بررسی ساختار نظام برنامه‌ریزی در ایران و راه حل کاربردی برای اجرایی نمودن آن است.

جدول (۱) با استفاده از نتایج پژوهش فراتحلیلی بر آسیب شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران توسط مکنون و همکاران (۱۳۹۳) که با استفاده از فرا تحلیل کیفی به شناسایی منابع و ترکیب نتایج، آسیب شناسی جامعی از مشکلات برنامه‌ریزی و نیز با نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیبها به درک و فهم موضوع کمک رسانده است. در این نوشتار و بر اساس تحلیل ثانویه در راستای شناسایی آسیبهای برنامه‌های توسعه، آسیبهایی که با کاستی‌های مطالعاتی و به نوعی سیاست‌پژوهی معطوف بوده است شناسایی و استخراج شده است. بر این مبنا در مجموع از بین ۹۹ آسیب شناسایی شده در برنامه‌های توسعه، ۳۸ آسیب به نوعی معطوف به کاستیها و ایرادات مطالعاتی و سیاست‌پژوهی بوده است به سخنی دیگر ۳۸/۴ درصد از آسیب‌های برنامه‌های توسعه و عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور معطوف به فقدان هم‌کنشی سیاست‌پژوهی به معنای واقعی است. در این میان

بر اساس دسته بندی داده‌ها مرتبط با سطوح برنامه‌ریزی بیشترین سطح که مربوط به آسیبهای معطوف به مطالعات و هم‌کنشی سیاست پژوهی بوده به ترتیب با ۶۹/۲ درصد مربوط به سطح محتوایی برنامه ریزی ، ۵۲/۶ درصد مربوط به بعد فرایندی ، ۴۱/۲ درصد به سطح اجرایی برنامه و ۲۴ درصد آسیبهای مربوط به پیش نیازهای برنامه‌ریزی بوده است.

جدول ۱: شناسایی آسیبهای برنامه‌های توسعه معطوف و یا مرتبط به فقدان یا کاستی های سیاست‌پژوهی و هم‌کنشی آن

تعداد آسیب معطوف به سیاست پژوهی	مرجع	آسیب شناسایی شده یا زیر مولفه	مؤلفه	آسیب های برنامه های توسعه
از ۵۰ آسیب ، ۱۲ آسیب مرتبط با سیاست پژوهی شناسایی شده است.	۱۳۸۷	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛	بنیادی	فار صفر
		فقدان فهم مشترک در سطح مفاهیم توسعه	بنیادی	
		وجود برنامه متناقض	بنیادی	
		عدم انتخاب استراتژی صحیح توسعه	بنیادی	
	دفتر بررسی های اقتصادی	خلط مفهوم توسعه با مظاهر توسعه	بنیادی	
		تکراری بودن روش ها و الگوهای توسعه	بنیادی	
		عدم ارتباط سیستماتیک بین تعادل خرد و کلان برنامه ها و در اندیشه سیاستگذاران	نبود مکانیزم صحیح تصمیم سازی	
۱۳۸۷	دفتر بررسی های اقتصادی	تکراری بودن روش ها و الگوهای توسعه	نبود مکانیزم صحیح تصمیم سازی	
۱۳۸۷	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛	آسیبهای ناشی از تقدما ت و تاخرات غیر منطقی در فرایند تدوین برنامه	نبود مکانیزم صحیح تصمیم سازی	
۱۳۸۷	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛	عدم وجود آمار و اطلاعات جامع و به هنگام و در دسترس - نبود اطلاعات کامل و شفاف از فعالیت های اقتصادی	مشکلات زیرساختی	
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی، (۱۳۸۵)	عدم هماهنگی مراکز قدرت در مورد تصمیم گیریهایی که تبعات بین المللی دارد. نبود یک وفاق جامع و مانع درباره بسیاری از واقعیتهای جهانی ، عدم انسجام کافی میان قوای سه گانه	ساختار سیاسی		
از مجموع ۱۹ آسیب شناسایی شده ، ۱۰ آسیب معطوف به سیاست پژوهی بوده است.	۱۳۸۷	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛	غیر مشارکتی	فرایند برنامه ریزی
		به مشارکت نگرفتن ذینفعان توسعه و عدم حصول اجماع و توافق در برنامه های توسعه	غیر مشارکتی	
	۱۳۸۹	خاندوزی	غیر مشارکتی	
	۱۳۸۹	سیفالدینی و پناهنده خواه	غیر مشارکتی	
	۱۳۸۷	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛	فقد تحلیل‌های همه جانبه	
	دفتر بررسی های	توجه یک جانبه به تقاضای اقتصاد- عدم	فقد تحلیل‌های	

	اقتصادی ۱۳۸۷	توجه به نهادهای نابازاری - نبود یک وفاق جامع و مانع درباره بسیاری از واقعتهای جهانی	همه جانبه	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	ترکیب نادرست کارشناسی برنامه ریزان	تدوین توسط تیم نامناسب	
	دفتر بررسی های اقتصادی ۱۳۸۷	عدم آینده نگری صحیح	عدم آینده نگری صحیح	
	دفتر مطالعات برنامه و بودجه ۱۳۹۱،	عدم تعریف نقاط بازبینی در برنامه ها	عدم وجود فرایند منطقی در تدوین برنامه	
از مجموع ۱۳ آسیب شناسایی شده ، ۹ آسیب مرتبط با سیاست پژوهی بوده است.	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	ابهام در نحوه ارتباط اسناد بلند مدت و میان مدت- عدم وجود الگوی روشن و رابطه علی و معلولی صحیح	ناسازگاری و ناهماهنگی	محتوای برنامه ریزی
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	عدم همخوانی با برنامه های توسعه قبلی - عدم وجود تعاریف دقیق و مشخص از اصطلاحات برنامه ای	ناسازگاری و ناهماهنگی	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	جامعیت بودن برنامه ها و عدم اولویت گذاری صحیح - عدم همسویی و یکپارچگی برنامه های بخشها	عدم اولویت گذاری صحیح	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	عدم توجه به برنامه ریزی فضایی و منطقه ای	عدم توجه به آمایش سرزمین	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	با ثبات در نظر گرفتن شرایط و عدم توجه به سناریوهای آینده	عدم توجه به سناریوهای احتمالی آینده	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	عدم وجود برنامه های اجرایی و عملیاتی	عملیاتی نبودن و نداشتن ضمانت اجرایی	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷		ابهامات در نحوه ارائه گزارشها	
شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷		بی تاثیر بودن گزارش عملکرد بر روندهای اجرایی		
شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷		فقدان معیارهای مشخص برای انتخاب موضوعات سیاستها		
شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛		فقدان ابزارهای		

	۱۳۸۷		سیاستی متناسب با هدف
	دفتر مطالعات برنامه و بودجه ۱۳۹۱،		عدم ارتباط منطقی بین جداول کمی و محتوای برنامه ها
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷		وجود وظایف موازی در وزارتخانه ها
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷		وجود برنامه هایی دیگر با اولویت بالاتر

#### ۴-۲- تعدد و عدم هماهنگی، یکپارچه سازی و انسجام بین نهادهای متولی برنامه ریزی توسعه

به باور بسیاری از صاحب نظران و دلسوزان کشور، تورم و تعدد قوانین ناکارآمد و کم‌اثر علاوه بر اینکه خود اعتبار و مشروعیت قانون‌گرایی را زیر سؤال برده، سبب ایجاد دست‌اندازها، اختلافات و خلأهای جدی در مسیر پیشبرد توسعه در کشور شده و می‌تواند دولت را در ایران با تنگنانهایی مانند وجود نهادهای موازی، فقدان وجود انسجام و یکپارچگی در نظام اداری- اجرائی کشور، مجمع‌الجزایری شدن قدرت و ... روبه‌رو کند. از دیگر سو نبود زمینه سیاست‌ورزی برای حل مسائل و در نتیجه لاینحل شدن و عمیق‌تر شدن بحران‌ها و نارسایی‌ها به سبب توزیع نامتوازن و پراکنده قدرت‌های سیاسی، اجرائی، مالی و نظارتی در بین عناصر مختلف مؤثر بر توسعه کشور است که موجب شده که هیچ‌کس مسئولیت وضعیت کنونی را برعهده نگرفته و دیگری را مقصر بداند.

در مطالعات و پژوهش‌های آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه در ایران، نهادهای مشارکت‌کننده در آن و هماهنگی و سازماندهی آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نهادهای متعددی در برنامه ریزی کلان کشور نقش دارند که گاهی عملکرد این نهادها موازی و یا متداخل است و موجب موازی کاری در کارها میشود(جدول

مهم‌ترین نهادها که دارای مراکز پژوهشی و مطالعاتی نیز می‌باشند عبارت‌اند از

۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام که با مشاوره به رهبری سیاستهای کلی نظام و چشم‌انداز ۲۰ ساله آن را تعیین می‌کند مجمع دارای چندین مرکز مطالعاتی و بررسی راهبردی و پژوهشگاه و نیز چند فصلنامه علمی و پژوهشی نیز می‌باشد
۲. دولت و زیرمجموعه‌های آن که در تدوین و راهبری برنامه توسعه ۵ ساله نقش دارند. متولی تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه در دولت برعهده سازمان برنامه و بودجه کشور می‌باشد هم‌اکنون این نهاد دارای مرکز نوپای پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری می‌باشد. اگرچه موسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی و نیز مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری نیز در نهاد ریاست جمهوری قرار دارند. افزون بر این تعداد زیادی مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در دولت (وزارتخانه‌ها) مشغول ارائه خدمات پژوهشی می‌باشند.
۳. مجلس شورای اسلامی که برنامه‌های سالانه را در قالب بودجه‌تایید و تصویب می‌نماید. مرکز پژوهش‌های مجلس به عنوان مرکز مطالعاتی به مجلس مشاوره می‌دهد.
۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی که سیاست‌های فرهنگی و نیز نقشه جامع علمی کشور را تدوین می‌کند
۵. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در حال تدوین سند الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت است.

جدول ۲: نهادها و مراکز سیاست‌پژوه مرتبط با نظام برنامه‌ریزی توسعه ایران و کارکردها و ماموریت

آنها

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه
۱	مجلس شورای اسلامی	- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۴ (۱۹۹۵)	ارایه اطلاعات و گزارش‌های کارشناسی برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مطالعه، پژوهش و ارائه نظرات کارشناسی در مورد تمام لوایح و طرحها	راهبرد و مجلس
		- مرکز تحقیقات	۱۳۹۰	واسطه‌ای فعال و هوشمند میان حوزه علمیه و مجلس شورای	دین و قانون



	اسلامی است ضمن بررسی طرح‌ها و لوایح ارجاعی از مجلس به لحاظ تطبیق با علوم و معارف اسلامی، با بازشناسی مستمر آسیب‌ها و نیازهای فقهی موجود در حوزه تقنین و قانونگذاری، پیشنهادات علمی و اجرایی مناسبی نیز به مجلس ارائه می‌نماید		اسلامی		
۲	شورای نگهبان	پژوهشکده شورای نگهبان	مرکز تحقیقات شورای نگهبان» از سال ۱۳۷۶ توسط این شورا ایجاد شده و در سال ۹۲ به پژوهشکده تبدیل گردیده است.	به منظور پشتیبانی علمی و کارشناسی و ارائه نظرات مشورتی به شورای نگهبان	دانش حقوق عمومی
۳	دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام	پژوهشکده تحقیقات راهبردی	پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۱۳۸۹ با مجوز رسمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آغاز به کار نموده است.	مطالعه مبانی و بنیان‌های نظری (شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی، و روش‌شناسی اسلامی) در امور الگویی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، ولایت فقیه، حکمرانی و فقه حکومتی، سیاست خارجی و امور بین‌الملل، حقوقی و قضایی، دفاع و امنیت ملی، و فرهنگی-اجتماعی می‌باشد.	فصلنامه راهبرد اقتصادی، فصلنامه سازمانهای بین‌المللی، فصلنامه راهبرد فرهنگ اجتماعی، فصلنامه روابط خارجی، فصلنامه راهبرد علم و فناوری، فصلنامه راهبرد حقوقی در حال حاضر دارای ۶ گروه پژوهشی فعال می‌باشد.
		مرکز مطالعات و بررسی‌های راهبردی	مرکز «مطالعات و بررسی‌های راهبردی» به عنوان بازوی علمی-پژوهشی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئول مدیریت امور پژوهشی مورد نیاز کمیسیون‌های تخصصی دائمی، مجمع (کمیسیون علمی)، فرهنگی و اجتماعی، کمیسیون		

	سیاسی، دفاعی و امنیتی، کمیسیون زیربنایی و تولیدی، کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری، و کمیسیون حقوقی قضائی) را بر عهده دارد.			
تدوین پیش نویس سیاست ها توسعه روستایی و عشایری کشور برگزاری ۸ دوره تربیت مدیران راهبردی کشور تدوین ده ها جلد کتاب و گزارش های راهبردی در حوزه های مختلف انتشار ۳ مجله علمی و تخصصی	انجام مطالعات و تحقیقات مشترک در زمینه های مرتبط با اهداف پژوهشگاه از قبیل شناخت الگوها و چارچوب های سیاستگذاری و نظام های نظارت بر اجرای سیاست های کلان نیازسنجی تحقیقاتی و تأسیس اندیشکده های مشترک با مراکز تحقیقاتی دولتی و غیر دولتی جهت سیاستگذاری در امور زیربنایی و توسعه پایدار	به منظور تحقق اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و سیاست های کلی نظام و ظرفیت سازی توسعه پایدار از طریق مطالعه، تحقیق، آموزش و مشاوره سیاستگذاری و اجرا، پژوهشگاه "سیاست گذاری، توسعه پایدار و امور زیربنایی" مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۹۷ تأسیس شده است.	پژوهشگاه سیاست-گذاری، توسعه پایدار و امور زیربنایی	
قطب آینده پژوهی راهبردی کشور با محوریت رفاه و تأمین اجتماعی با ۵ گروه پژوهشی آینده پژوهی در حوزه های تمدن، فرهنگی و اجتماعی اقتصاد و حکمرانی و سلامت	بسط آینده پژوهی در نظام تصمیم گیری کشور از مسیر نقش آفرینی اندیشگاهی توسعه و ترویج آینده اندیشی در میان مسئولان، مدیران، نخبگان، دانشگاهیان و اقشار مختلف جامعه اندیشه ورزی و آینده پژوهی راهبردی در جهت پایداری و پیشروندگی انقلاب اسلامی در	در راستای تحقق اهداف چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و سیاست های کلی نظام از ابتدای دهه ۹۰ تأسیس شده و به پژوهش های آینده نگر و چابک با رویکرد اندیشگاهی می پردازد. این	پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی	

	قرن پانزدهم هجری شمسی	پژوهشکده با داشتن مجوز وزارت علوم تحقیقات و فناوری، از اعتبار مجمع تشخیص مصلحت نظام، ظرفیت وسیع و شبکه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور و همچنین ارتباط ویژه با بدنه نخبگان راهبردی سود برده و از دانشش آینده‌پژوهی برای ابتکار و نوآوری در سیاست‌گذاری بهره می‌برد.			
	حوزه تخصصی ماموریت اندیشکده سیاست‌گذاری دولت اسلامی در چهار محور تبیین مبانی نظری دولت اسلامی، طراحی نقشه راه تحقق نظریه دولت اسلامی (مدیریت، ساختار، فرهنگ، منابع انسانی، قوانین و مقررات، و رویه‌ها و ...)، طراحی الگوی سیاست‌گذاری در دولت اسلامی، و تعیین معیارها و شاخص‌سازی سیاست‌های کلی در جهت ارزیابی عملکرد دولت اسلامی است.	اطلاعات در سایت مجمع یافت نگردید و قسمت مربوطه در مورد فعال بودن این اندیشکده و گروه‌های پژوهشی در بر نداشت	اندیشکده سیاست‌گذاری دولت اسلامی		
۴	فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی	یکی از سازمان‌های زیرمجموعه نهاد ریاست جمهوری ایران است، که در زمینه ارائه راهبرد به رئیس‌جمهور در حوزه‌های	(مرکز تحقیقات استراتژیک) ۱۳۷۶	مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری	ریاست جمهوری

	سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌نماید.				
اتصال با ۹۶ اندیشکده	شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی) شمس (ابزاری برای ایجاد ارتباط میان نخبگان و سیاست گذاران است. این شبکه فضایی را فراهم آورده است که ایده های سیاستی نخبگان کشور در حوزه های گوناگون انتشار یابد و به سیاست گذاران دولتی منتقل شود. این شبکه که در سال ۱۳۹۳ با مدیریت مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری تاسیس شده است. در این شبکه متون سیاستی خلاصه در موضوعاتی چون اقتصاد، سیاست خارجی، سیاست داخلی، بهداشت و سلامت، علم، فناوری و نوآوری، محیط زیست، اجتماعی و فرهنگی منتشر می‌شود.	این شبکه توسط مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۳ ایجاد شده است.			
دارای ۷ گروه پژوهشی و سه گروه آموزشی- فصلنامه برنامه ریزی و بودجه - فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه	موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، مجموعه ای وابسته به نهاد ریاست جمهوری و به عنوان اتاق فکر دولت جمهوری اسلامی است که در حوزه های پژوهشی و آموزشی فعالیت می کند. این موسسه در طول حیات خود فراز و نشیب های زیادی را به خود دیده است و افرادی از طیف های مختلف سیاسی در آن فعالیت داشته اند. ریاست موسسه متناسب با گرایش	موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی براساس مصوبه شماره ۱۳/۶۵۵-ط مورخ ۳/۴/۸۱ شورای عالی اداری، از ادغام مرکز آموزش مدیریت دولتی و موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه تشکیل شده			

	سیاسی دولت همواره دستخوش تغییر بوده است	<p>است. این موسسه که در ابتدا «مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه» نام داشت توسط گروهی شامل محمد طبیبیان و علینقی مشایخی در ۱۳۶۸ زیر نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و با هدف ترتیب نیروی انسانی جهت سیاستگذاری اقتصادی بنا نهاده شد. در سال ۱۳۷۹ «مرکز آموزش مدیریت دولتی» با این موسسه ادغام شد و نام آن به «موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی» تغییر یافت. لازم به ذکر است این مرکز در سال ۱۴۰۰ تحت نظر سازمان برنامه و بودجه کشور قرار گرفت.</p>			
این مرکز دارای ۵ گروه پژوهشی است. فصلنامه پژوهش‌های برنامه و توسعه - گاهنامه پایش	این مرکز با هدف پشتیبانی اندیشه‌ای از نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور به منظور مبتنی ساختن مستمر آن بر دانش و رویکردهای علمی در	مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موافقت قطعی خود با این مرکز اعلام	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری	سازمان برنامه و بودجه کشور	

		کرده است			توسعه و آینده نگری
		مسیر پیشرفت و توسعه و بهبود و همچنین توانمندسازی و ارتقای نظام برنامه ریزی و بودجه ریزی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می نماید. پاسخ گویی به نیازهای مطالعاتی و پژوهشی سازمان آینده نگری پیرامون جریان های برنامه ریزی و توسعه			
۵	شورای عالی انقلاب فرهنگی	دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی	تاسیس دفتر مطالعات و پژوهش های فرهنگی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۷ تصویب شده است لیکن در حال حاضر وجود یا عدم وجود این مرکز مطالعاتی در سایت این شورا مشخص نشده است	از جمله وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، می توان در سه حوزه سیاست گذاری، تدوین ضوابط و نظارت تقسیم بندی نمود. تهیه و تدوین سیاست ها و طرح های راهبردی کشور در زمینه های مختلف فرهنگی از جمله در حوزه های زنان، تبلیغات، اطلاع رسانی، چاپ و نشر، بیسوادی، دانشگاه ها، برقراری روابط علمی و پژوهشی و فرهنگی با سایر کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت های دینی و معنوی، تهاجم فرهنگی و سایر حوزه های فرهنگی مربوطه از جمله وظایف سیاست گذاری این شورا محسوب می شود .	فصلنامه راهبرد فرهنگ ، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی فصلنامه مهندسی فرهنگی که آخرین شماره آن در سال ۱۳۹۴ انتشار یافته است
۶	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور کانون تفکر در زمینه سیاست پژوهی و سیاست سازی علم،	از جمله ماموریت های ویژه این مرکز دبیرخانه شورای عالی عتف ، جامعه محوری و کارآفرینی در دانشگاه ها ، دبیرخانه اقتصاد مقاومتی وزارت عتف و پایش و ارزیابی پژوهش	آزمایشگاه سیاستی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور نیز، فعالیت خود را با مأموریت کاهش شکاف میان بازیگران مختلف حوزه

<p>سیاستی که در زمینه ی علم، فناوری و نوآوری شامل نظریه پردازان و محققان سیاستی تا سیاست گذاران این حوزه و مخاطبین برنامه های سیاستی می شود آغاز کرده است. از این رو اصلی ترین مخاطبین این آزمایشگاه، سیاست گذاران، سیاست ورزان و سیاست پژوهان حوزه علم، فناوری و نوآوری هستند. این آزمایشگاه «گاهش شکاف میان طراحی و اجرای سیاست ها» را به عنوان اصلی ترین مقصود خود هدف گیری کرده است.</p>	<p>و فناوری و تدوین برنامه توسعه علم و فناوری در استانها می باشد.</p>	<p>پژوهش و فناوری در سطح ملی، از ارگان های زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران است که از سال ۱۳۷۰ فعالیت خود را آغاز نموده است. هم اکنون این مرکز با داشتن شش گروه علمی به فعالیت خود ادامه می دهد.</p>			
<p>دارای ۱۳ اندیشکده در چارچوب میانی، ارکان و عرصه زندگی</p>	<p>اهداف مرکز ۱- تعمیق و توسعه تفکر، تحقیق و نظریه پردازی درباره میانی، اصول، شاخص ها و دیگر ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تکامل فرد و اجتماع بر اساس تعالیم و ارزش های متعالی اسلام ناب محمدی و با بهره مندی از دستاوردهای متقن علمی و تجارب ارزشمند بشری ۲- ایجاد و حفظ فضای گفتمانی اصیل و قوی در حوزه و دانشگاه و در سطح</p>	<p>برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، و لزوم استفادهی همهجانبه از ظرفیت های موجود در عرصه های علمی (حوزه ای و دانشگاهی) در جهت فراهم سازی مقدمات تدوین الگو و توسعه گفتمانی و تولید علم در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی</p>	<p>مرکز الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت</p>		<p>۷</p>

<p>جامعه حول محور الگوي اسلامي ايراني پيشرفت ۳- طراحي و تدوين پيش نويس الگوي اسلامي ايراني پيشرفت به عنوان سند بالادستي حاکم بر چشم- اندازها، سياست هاي کلي و برنامه هاي توسعه مبتني بر مباني اصيل اسلامي و منطبق بر مقتضيات و ویژگی هاي فرهنگي، اقليمي و طبيعي ايران</p>	<p>ايراني پيشرفت در سال ۱۳۹۰ اين مرکز تشکيل گرديده است</p>			
---	--	--	--	--

#### ۳-۴- هم پوشانی و عدم انسجام اسناد برنامه ای و توسعه ای

اسناد برنامه‌ای مختلفی در کشور وجود دارند که در بسیاری از موارد همپوشانی دارند و یا گاهی اهدافی متناقض و متضاد را دنبال می‌کنند و انسجام درونی و بیرونی آنها روشن نیست . برخی از این اسناد برنامه ای ملی عبارتنداز:

- سند ملی آمایش سرزمین که با تلاش سازمان برنامه و بودجه و تکلیف قانونی برنامه ششم توسعه در اواخر سال ۱۳۹۹ به تصویب شورای عالی آمایش سرزمین رسید.

سند الگوی اسلامی - ايراني پيشرفت که بر اساس فرمايش رهبري پس از تدوين به عنوان سند بالادستي برنامه ها خواهد بود.

-سياست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران



چشم انداز ۱۴۰۴

برنامه های توسعه ۵ ساله

برنامه های سالانه در قالب بودجه

برخی از این اسناد بدون توجه به اسناد بالادستی خود و در فضایی مستقل از محتویات آن شکل می‌گیرند از دیگر سو غالب این اسناد و برنامه ها به اهداف قابل پیش بینی دست نیافته اند . در ارتباط با بحث محوری این نوشتار از نظر وفاق و اجماع و هم کنشی مراکز پژوهشی مرتبط در تدوین این اسناد، کمتر از نظرات سایر مراکز استفاده شده است که در این ارتباط تهیه و تدوین این اسناد در گام نخست دارای کاستی هایی است و یا از عدم هم کنشی مراکز سیاست پژوهی ناشی شده است. در حالی که اجماع و قانع سازی باید در تدوین این اسناد شکل گیرد نه این که این اسناد تدوین و بعضا مصوب شود و سپس به بوته نقد و آسیب شناسی قرار گیرد. برای نمونه کافی است پیشینه پژوهش ها در مورد نقدهای برنامه های توسعه و یا سند مهمی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرد تا کاستی های آن در مقالات ، طرح ها و پایان نامه ها مشخص گردد. . در راستای اجماع سازی و وفاق و تعامل بین تدوین کنندگان اسناد توسعه ای ، با توجه به اهمیت تدوین سند ملی آمایش سرزمین به عنوان تصویر سرزمینی توسعه در بلندمدت ، نتایج یک پژوهش (میر محمدی و همکاران، ۱۳۹۹) تحت عنوان الگوی الزامات پیاده سازی اسناد آمایش سرزمین حتی برای اجرا به بعد تدوین صحیح آمایش در کنار سایر ابعاد مانند ماهیت آمایش ، مدیریت منابع انسانی، سازمان مجری توانمند، نظارت و بازخوردگیری مناسب و ملاحظه شرایط محیطی دست یافته است. نکته مهم تر این که بعد تدوین صحیح مطالعات آمایش سرزمین در بین ابعاد دیگر بیشترین اهمیت را در پیاده سازی آمایش سرزمین به زعم صاحب نظران آمایش دارا بوده است.

به طور کلی نقد بر برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین در ایران را می توان به دو بخش فرایندی و برابندی یا همان بعد نظری و اجرایی تقسیم نمود. فرایند طرح فراگیر ، مشارکتی و توافقی نبوده و بین برنامه ریزی کالبدی و آمایش تفکیکی قائل نشده است از این رو فرایند برنامه ریزی در مسیر درست قرار نگرفته است. کاستی دیگر در اجرا نشدن و یا اجرای اندک این طرحها و برنامه ها است . نظام برنامه ریزی کشور دلیل اصلی این کاستی است که جایگاهی برای اجرا شدن طرحها ندارد. بدین معنا ابزار کافی برای سیاست گذاری فضایی تدبیر نشده است هم چنین بخش های اجرایی و برنامه ریزی دارای اختلافات و تداخلات بسیاری هستند در حالی که سازو کار حل اختلاف، تداخل و رقابت های بخشی- فضایی جایگاهی در نظام برنامه ریزی ندارد. افزون بر این عدم تدوین برنامه ها و طرح های توسعه بر مبنای توسعه مردم محور، توسعه انصاف محور، توسعه بوم گرا و توسعه درون زا از جمله کاستی های نظری در طرح های منطقه ای ایران بوده است که مانع

اجرائی شدن طرح ها نیز می شود. در مدل توسعه یاد شده محرکه های برونی توسعه به تحرک درونی توسعه گره می خورد و دیگر توسعه ای نیست که تنها آبادی مکان را مدنظر داشته باشد، بلکه هدف اصلی آن خوشبختی مردم است. این موضوع دقیقاً بحث و نقد پیش روی نظریه پایه در برنامه ریزی منطقه ای است که مانع اصلی اجرائی شدن آن هم می شود. (توکلی و همکاران ، ۱۳۹۷، ۱۵۲).

هم چنین آسیبها در بخش اجرای سیاستها (اشتریان، ۱۳۸۷) به بی توجهی به مطالعه اجرای سیاستها، نبود چارچوب نظری مشخص در سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرا، نبود تعریف فنی از سیاست، نبود دستورالعمل های صریح سیاستی، مطرح نبودن اولویت در ارزشها، نبود بدنه ی کارشناسی دولتی مجهز به مهارت های لازم برای اجرای سیاست ها، نبود هماهنگی در بدنه ی دیوان سالاری از منظر مدیریت دانش و نبود عرصه ی عمومی حرفه ای برای بحث در اجرای سیاست ها تقسیم بندی شده است .

به طور کلی اغلب برنامه ها و اسناد فرادست توسعه در کشور از کاستی هایی مانند کلی بودن، چندوجهی بودن، تعارض با سایر اسناد، در نظر نگرفتن خواسته ها و نظرات دستگاهها، عدم وجود الزامات و التزامات جهت اجرائی شدن، عدم انطباق پذیری اسناد برنامه ها با اسناد بالادستی، فقدان شفافیت و صراحت، نبود درک مورد اجماع و قابل کاربست میان دست اندرکاران و مانند آن، و ... پایبندی به آنها از سوی دست اندرکاران و تدوین کنندگان برنامه صرفاً به صورت شکلی نمایش داده می شود. هم چنین اغلب برنامه ها در راستای توجیه و تعریف اعلام شکست یا پسروری برنامه ها در ان گزارش دهی نمی شود و به گونه ای که گزارش ها حاکی از دستاورد برنامه و دستیابی به بیشترین اهداف برنامه بوده است. به طوری که به زعم برخی صاحب نظران از جمله مهمترین نقصان توسعه در ایران را، نبود الگوی گزارش دهی توسعه می دانند.

نکات فوق به نوعی اهمیت انجام درست مطالعات و پژوهش ها و هم کنشی بین مراکز پژوهشی و مطالعاتی و در یک کلام اهمیت و ضرورت سیاست پژوهی در نظام برنامه ریزی توسعه از یک سو و توجه به مطالعه اجرای سیاستها از دیگر سو برای حل مسائل و مشکلات و تدوین سیاستگذاری درست توسعه و تدوین اسناد و برنامه های قابل تحقق را مورد تاکید قرار می دهد.

#### **۴-۴- رابطه علت و معلولی بین مولفه ها و آسیبهای عدم تحقق برنامه های توسعه با سیاست**

##### **پژوهی:**

آسیبهای شناسایی شده ناشی از عدم کاربرد مناسب پژوهش در استخراج سیاستها و راهبردها در فراتحلیل آسیب شناسی برنامه های توسعه عمدتاً یا جزء آسیبهای ریشه ای عدم تحقق برنامه های توسعه یا دارای تاثیر غیرمستقیم بر سایر آسیبهایی هستند که منشاء سیاست پژوهی کمتری دارند. از طرف دیگر یک سلسله روابط

علت و معلولی بین آسیبها و عدم هماهنگی و انسجام نهادهای متولی برنامه‌ریزی توسعه و نیز عدم انسجام بین اسناد توسعه وجود دارد که منشاء آن معطوف به عدم استفاده از سیاست پژوهی یا عدم باور به مراکز سیاست پژوهی یا عدم هم‌افزایی و توافق بین اسناد و سیاستهای توسعه‌ای است. برای نمونه (با استفاده از تکنیک ۵ چرا<sup>۱</sup> برای یافتن حل ریشه‌ای یک مشکل و تعیین روابط بین علت‌های ریشه‌ای مختلف یک مساله) آسیب فقدان درک و فهم مشترک درباره مفهوم توسعه (جدول ۱) که از آسیب فرعی دیگری به نام موقتی بودن سازماندهی و تشکیلات مربوط به نظام برنامه‌ریزی و محدود شدن آن به دوره تهیه برنامه‌های توسعه که این آسیب موجب عدم امکان تغییرات سازنده بعد از تصویب برنامه‌های توسعه شده که پس از آن این امر باعث به وجود آمدن یکی از اصلی‌ترین آسیبهای ریشه‌ای عدم تحقق سیاستها و اهداف برنامه‌های توسعه بنام “نبود درک مشترک برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و مجریان از مفاهیم” می‌شود. بر این مبنا مولفه‌ها و آسیبها در فازهای مختلف برنامه در اثر عدم استفاده از سیاست پژوهی می‌تواند به صورت علت و معلول یکدیگر به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر سایر آسیبها نیز تاثیرگذار باشد. از این رو استفاده از پژوهش در فضای سیاستگذاری پیش زمینه و شرط مهم و لازم تحقق برنامه‌های توسعه است اگر چه برای عملیاتی و اجرایی شدن سیاستها و راهبردها فراهم بودن شروط کافی دیگری مانند وجود یک نظام حکمرانی و شایسته‌سالاری مناسب هم ضروری است.

## ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

یافته‌های این نوشتار عدم یکپارچه‌سازی و هماهنگ‌سازی سیاستی توسعه در کشور را با توجه به مطالعات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و پژوهشگران به وضوح نشان می‌دهد. بخش عمده‌ای از سیاستگذاریها در قالب اسناد فرادستی و برنامه‌های توسعه انجام می‌شود که یافته‌های این مطالعه کاستی‌های فراوانی در طرح‌ها و اسناد فرادستی توسعه و هم‌چنین هم‌پوشانی و عدم انسجام اسناد برنامه‌ای و توسعه‌ای که بعضاً از ناهماهنگی بین سازمانها و نهادهای سیاستگذار و تصمیم‌گیرنده و اجرایی نشات گرفته را بر آن صحنه می‌گذارد. از دیگر سو از بین ۹۹ آسیب و ایراد بررسی شده در مطالعه فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه ایران (۱۳۹۳)، ۳۸ آسیب و ایراد مربوط به جنبه‌های مطالعاتی و پژوهشی و از سنخ سیاست‌پژوهی شناسایی گردید. به دیگر سخن ۳۸/۴ درصد از آسیب‌های برنامه‌های توسعه و عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور معطوف به کاستی‌های مطالعاتی در سطوح تهیه برنامه‌های توسعه؛ پیش از برنامه‌ریزی، سطح محتوایی، سطح فرآیندی و سطح اجرایی

---

۱. ۵ whys (پنج چرا) به عنوان یکی از تکنیکهای ریشه‌یابی علت مشکل با پرسیدن مکرر چرا (۵ بار یک قاعده تجربی خوب است)، می‌توان از لایه‌های ظاهری یک پدیده عبور کرده و علت ریشه‌ای آن پدیده رسید هرچند این تکنیک را ۵ چرا می‌گویند، اما ممکن است تعداد کمتر یا بیشتر از پنج سوال پرسید تا موضوعات و دلایل مربوط به یک مساله را پیدا کنید.

است. در این راستا بیشترین کاستی و آسیب‌های مطالعاتی و سیاست‌پژوهی مربوط به سطح محتوایی برنامه ریزی با ۶۹/۲ درصد مشخص شده است.

شناسایی ۱۲ مرکز تحقیقاتی و مطالعاتی وابسته به نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با برنامه‌ریزی توسعه کشور به انضمام اطلاعاتی در مورد ماموریتها و شرح وظایف و ... این مراکز از جمله یافته‌های دیگر این نوشتار است. فارغ از اقدامات و فعالیتهای ارزشمندی که در این مراکز عمدتاً در قالب انتشار مقالات و کتب صورت گرفته است این سوال مطرح می‌گردد که این مراکز چه نقشی در پیشنهاد طرحها، برنامه‌ها و سیاستها و راهبردهای توسعه‌ای داشته اند چرا که یکی از پیامدهای اصلی پژوهش به ویژه در این مراکز حل مسائل و مشکلات جامعه است و آیا توانسته اند سیاستگذاری مناسبی در راستای ارتقاء شاخص های توسعه ای و رفاه جامعه داشته باشند؟ یا این که اساساً، آیا از توان و ظرفیت این مراکز استفاده شده است؟

نتایج آسیب‌شناسی‌ها و مطالعات و پژوهش‌ها، ساختار فعلی نظام برنامه‌ریزی توسعه و تدوین اسناد توسعه‌ای را چندان کارآمد و اثربخش ارزیابی نکرده است. در این راستا برخی از آسیبها در اثر لایه گمشده‌ای در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نظام برنامه‌ریزی توسعه از یک سو و عدم هم‌کنشی مراکز و موسسات سیاست پژوه از دیگر سو نشات می‌گیرد. به نظر می‌رسد ظرفیت‌سازی و زمینه‌سازیها برای غلبه بر برخی از این آسیبها و در اولین گام **از طریق آگاهی و شناخت از علل آسیبهای ریشه ای معطوف به عدم استفاده از سیاست پژوهی** از یک سو و نیز هم‌کنشی سیاست پژوهی و اجماع و توافق‌سازی از دیگر سو می‌تواند محقق گردد.

با توجه به تراکم و تعدد مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در قالب پژوهشگاه، پژوهشکده، مرکز مطالعات راهبردی توسعه، مرکز پژوهش‌های توسعه؛ این که وضعیت فعلی، وضعیت مطلوب هم‌کنشی نهادهای درگیر در امر تدوین اسناد توسعه‌ای، میزان اثر بخشی و باورمندی به این مراکز جهت سیاست‌گذاریها و اتخاذ راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای باید چگونه باشد از پس مطالعات و پژوهش‌های ژرف‌نگر و همه‌جانبه در راستای طراحی الگویی برای پر کردن خلاء حلقه مفقوده سیاست‌پژوهی و هم‌کنشی آن در نظام برنامه‌ریزی توسعه به دست خواهد آمد. در همین راستا برخی پیشنهادات و راهکارها با هدف انجام اصلاحات ضروری و قابل تحقق در تدوین هرچه بهتر برنامه هفتم توسعه مورد اجماع بدنه کارشناسی و برگرفته از بررسی‌ها و مطالعات مانند؛ ابتناء به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌عنوان نقشه راه توسعه بلندمدت ملی، اصلاح قانون برنامه و بودجه و تنظیم روابط ارکان برنامه‌ریزی، مبنا قرار دادن نتایج اسناد آمایش سرزمین ملی و استانی، تدوین سیاست‌های کلی پیشنهادی مبتنی بر مسائل و اولویت‌های کشور و ایده‌های جدید، اصلاح ساختار تدوین برنامه و ساختار لایحه پیشنهادی و تشکیل نهاد دائمی تدوین برنامه‌های توسعه ملی در سازمان برنامه و بودجه (ثامنی، ۱۳۹۹) زمینه

سازی‌ها و الزامات آن از مسیر هم‌کنشی سیاست پژوهی مراکز قوای کشور و سایر نهادهای متولی برنامه‌ریزی توسعه می‌گذرد. برخی از پیشنهادات این نوشتار به شرح ذیل است:

- **انجام پژوهشی کمی تحت عنوان عوامل موثر بر بهبود برنامه ریزی توسعه در ایران با تاکید بر جایگاه کاربست مطالعات در تحقق برنامه ها و سیاستگذارها**

- استفاده اثر بخش یافته‌های پژوهشی نهادهای تولید دانش و پژوهش در قلمرو برنامه‌ریزی توسعه در تصمیم سازی ها و تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها

- کاربست درس‌آموخته‌ها و آسیب‌شناسی‌های فراوانی که از برنامه‌های توسعه در قبل و بعد از انقلاب وجود دارد برای تدوین برنامه هفتم توسعه

- آسیب‌شناسی نهادها و مراکز سیاست‌پژوه در راستای استفاده شایسته‌تر از توان و کارکرد آنها جهت حل مسائل و مشکلات کشور، جلوگیری از طرح‌ها و سیاستهایی که منجر به فشار بر منابع و کسری بودجه مداوم دولت‌ها و تورم افسارگسیخته می‌گردد.

- ارائه توصیه‌های سیاستی جهت تدوین برنامه‌ها و اسناد توسعه‌ای و نیز ارائه سازوکارهای وفاق و اجماع بر روش اداره و نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور

- با توجه به تعدد مراکز پژوهشی و مطالعاتی در دستگاه‌های اجرایی و مراکز آموزش عالی در راستای اثر بخشی این مراکز مطالعاتی در شاخص‌های رفاه و توسعه کشور، بازنگری در نظام برنامه‌ریزی توسعه در گام اول در زیر نظام پژوهش‌های توسعه‌ای (تدوین‌کنندگان اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای) ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید در این راستا ایجاد مرکزی تحت عنوان، مرکز سیاست‌پژوهی و نظارت‌پژوهی توسعه با رویکرد مهندسی بالادستی (فراقوه‌ای) حاکمیتی در تعامل با سایر نهادها و مراکز تحقیقاتی دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی بخش خصوصی و نهادهای مدنی از جمله پیشنهادهای مهم دیگر این نوشتار است.

## **۶- منابع و ماخذ:**

۱- اشترین کیومرث و راضیه امامی میبیدی، ۱۳۹۳، ساماندهی ارزیابی سیاستهای عمومی در جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال دهم، پیاپی ۲۰، صص ۳۹-۵.

۲- آقاجانی، رضا ، ۱۳۹۳ ، ضرورت باز طراحی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران ، مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

۳- امیری فرح آبادی جعفر ، ابوالقاسمی، محمود و محمد قهرمانی ، ۱۳۹۵، آسیب شناسی فرایند سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران؛ مطالعه ای کیفی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره هشتم ، شماره ۴. صص ۱۷۱-۱۳۹.

۴- بیات ریزی ، زهره ، ۱۳۹۰، استفاده از مطالعات اجتماعی در سیاستگذاری: تجارب جهانی و دل شوره های ایرانی ، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم ، شماره ۵ صص ۴۴-۲۱.

۵- توفیق ، فیروز ، ۱۳۸۵، برنامه ریزی در ایران و چشم انداز آینده آن، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت.

۶- توکلی مرتضی ، آرام ابراهیمی و سمیرا حمیدی تهرانی، ۱۳۹۷، تحلیل الگوی منطقه بندی آمایش سرزمین در ایراناز پسامشروطه تا بحال، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۲، شماره ۱.

۷- جاودانی ، حمید ، ۱۳۹۱، سیاست پژوهی لایه گمشده در فرایند تصمیم گیری و سیاستگذاری نظام آموزش عالی ، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

۸- جاودانی، حمید ، ۱۳۹۴، طراحی الگوی سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۱(۲)، ۸۶-۸۱ .

۹- حداد، غلامرضا ، ۱۴۰۰، ابر مسئله ایران چیست؟ (<https://fararu/fa/news>).

۱۰- ثامنی ، امیر ، ۱۳۹۹، طرحی نو برای برنامه هفتم توسعه ، روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۴۸۹۱.

۱۱- ثامنی ، امیر ، ۱۳۹۸، چرا دولتها شکست می خورند ، برگرفته از ایده های دکتر فاضلی روزنامه شرق شماره ۳۵۸۶.

۱۲- عسگری ، جعفر ، ۱۳۸۳، مدیریت: چالش اصلی اقتصاد ایران ، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت کیفیت .

۱۳- عالم تبریز ، اکبر و عظیمی ، ۱۳۸۴ ، شناسایی عوامل موثر در بهبود برنامه ریزی توسعه از دیدگاه کارشناسان، مجموعه مقالات همایش سیاستها و مدیریت برنامه های رشد و توسعه ایران ، تهران ، اسفند ۱۳۸۲ ، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی .

۱۴- فراستخواه، مقصود، ۱۳۹۷، دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله های ایرانی، نشر نی

۱۵- قلی پور ، رحمت الله ، بهزاد پورسید، علی حمیدی زاده و عبدالرضا امیری ، ۱۳۸۹ ، بررسی تأثیر سیاست پژوهی در فضای سیاست گذاری (مطالعه ی موردی در مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی) ، نشریه مدیریت دولتی دوره ۲ شماره ۴ صص ۱۴۴-۱۲۷.

۱۶- قلی پور ، رحمت الله، سید مهدی الوانی، حسن زارعی متین، غلامرضا جندقی و علی حمیدی زاده ، ۱۳۹۱ ، طراحی مدل عوامل موثر بر استفاده از سیاست پژوهی در سیاستگذاری؛ با استفاده از نگاشت مفهومی، مجلس و راهبرد ، سال ۱۹ شماره ۷۰ صص ۱۳۲-۱۰۳.

۱۷- صرافی ، مظفر و ناصر نجاتی، ۱۳۹۳ ، رویکرد نومنطقه گرایی در راستای ارتقاء نظام مدیریت توسعه فضایی ایران، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۴.

۱۸- مشعلی ، بهزاد ، حسن شیبانی ، ابراهیم حاجیانی و علی قنبری، ۱۳۹۷ ، خاستگاه آینده نگاری و جایگاه آن در سیاستگذاری بخش عمومی، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، سال ۲۹، شماره ۱۱۵ ، صص ۱۳۶-۱۱۹.

۱۹- مکنون ، رضا ، سلیمی، جلیل و محسن بهرامی ، ۱۳۹۳ فراتحلیلی بر آسیب شناسی های برنامه های توسعه در ایران، فصلنامه راهبرد اقتصادی ، سال سوم ، شماره ۱۰.

۲۰- میر محمدی، سید محمد، کاظمیان ، غلامرضا و سجاد رضایی، ۱۳۹۹، الزامات پیاده سازی آمایش سرزمین در فرایند مدیریت و توسعه کشور فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، مقالات آماده انتشار،

۲۱- رحمتی، فاطمه سادات و طاهره میر عمادی، ۱۳۹۸، جستاری در تحلیل رویکرد مطالعات آینده جامعه ایران در پرتو نگرش نسل های آینده پژوهی، فصلنامه راهبرد شماره ۹۱، صص ۳۳-۵.

۲۲- رضایی قادی ، مهدی و علی شیرخانی ، ۱۳۹۹ ، ارزیابی سیاست گذاری عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه ی حکمرانی خوب ، فصلنامه سیاست متعالیه ، سال ۸ ، شماره ۳۰.

۲۳-رنانی، محسن، ۱۴۰۰، گزارش ملی توسعه به روایت محسن رنانی،  
[/https://www.forsatnet.ir](https://www.forsatnet.ir)

۲۴-رنانی، محسن، ۱۳۹۷، توسعه نیافتگی کشور را باید در دوران کودکی جستجو کرد  
[/http://www.pana.ir](http://www.pana.ir)

۲۵-ناظمی، غلامرضا، راضیه رضازاده، عمیدالاسلام ثقه الاسلامی و هادی سروری، ۱۳۹۹، بازخوانی و زمینه  
یابی ناکاراییهای طرحهای توسعه و عمران (جامع) شهری ایران، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری  
عمومی، دوره ۱۰ شماره ۳۶.

۲۶- ندری، کامران، ۱۴۰۰، گره اقتصاد ایران کجاست؟ روزنامه ایران شماره ۷۷۴۱.

۲۷- Anderson, E. J. (۲۰۱۱). Public policymaking: An introduction )۷ ed.(.

Boston, MA: Wadsworth Publishing.

cess policy the in used is research policy how of study exploratory An). ۲۰۰۷. (C,

Anthes

۲۸ -Anthes ,۲۰۰۷,An exploratory study of how policy research is in the  
policy process by policymaker staff and public administrators(PHD  
dissertation) University of Coloroda Denver, and Health Science Center.

۲۹-Cillo,Paola,(۲۰۰۵)Fostoring Market Knowledge Use in Innovation :The Role of  
Internal Broker,European Management Journal, Vol.۲۳,No.۴.PP۴۱۲-۴۰۴.

۳۰-Ozga,Jenny,(۲۰۰۷)Knowledge,and Policy:Research and Knowledge Transfer,  
Critical Studies in Education ,Vol۲۱,No۱,PP.۶۳-۷۸.

۳۱-<https://donya-e-eqtesad.com>